

رمان نوجوان، متنی باز برای خواننده‌ای گشوده

تفسیر نمادها و نشانگان درهم‌تنیده در رمان *خوهران تاریک* بر مبنای نظریه‌ی تفسیر امبرتو اکو

فرزانه آقاپور^۱

چکیده

فرایند معناسازی و خوانش در ادبیات نوجوان به‌خاطر موقعیت مخاطب نوجوان اهمیتی ویژه دارد. هدف پژوهش حاضر، خوانش و بررسی شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ی نمادها و نشانگان متنی در رمان *خوهران تاریک*، اثر مهدی رجبی با توجه به نظریه‌ی امبرتو اکو و مفهوم‌های «متن باز» و «خواننده‌ی نمونه» است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد توصیفی تفسیری است. متن باز به خواننده مجال خوانش و تفسیر چندگانه را می‌دهد، اما متن بسته خواننده را به یک تفسیر درست و معتبر هدایت می‌کند. براساس تحلیل‌ها، *خوهران تاریک* به «متن باز» نزدیک می‌شود و «خواننده‌ی نمونه»‌اش را خواننده‌ای منتقد، حساس به واژگان، نشانه‌ها و نمادها و ارتباط‌های درون‌متنی تعریف می‌کند. *خوهران تاریک* به خواننده مجال ژرف‌کاوی و عاملیت در فرایند خوانش می‌دهد و برای او تعیین تکلیف نمی‌کند. ابهام و نشانه‌های درهم‌تنیده فرایند تولید معنا را گشوده نگه می‌دارند و راه خوانش یگانه و سراسر را سد می‌کنند. فرایند کشف و ساختن معنا پیچیده است و متن با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی همچون خلأهای زمانی، سایه‌ی فروافتاده بر ذهنیت و ادراک شخصیت اصلی رمان به‌واسطه‌ی بیماری، دال‌های چندمدلولی و نمادهای عام و شخصی تکرارشونده و مرتبط در ساختار و محتوا (ازجمله طلسم، حلزون، چاه، مه، جنگل) خواننده را به فعالانه خواندن و ساخت معناها و تفسیرهای گوناگون رهنمون می‌شود، اما در پایان‌بندی رمان، نویسنده نتوانسته است شبکه‌ی نمادها را منسجم کند. ابهام‌های مخمل، به پیرنگ آسیب زده‌اند و در رو‌ساخت، پرسش‌های فراوانی بی‌پاسخ می‌مانند. چنین متن‌هایی در ادبیات نوجوان ایران اندک‌اند و به دلیل نزدیک‌شدن به ماهیت چندصدا، کنج‌کاو و انتقادی نوجوانی، رده‌ای تازه از مخاطب نمونه‌ی نوجوان را در قیاس با متن‌های همتای خود تعریف می‌کنند. نوجوانان امروز، دست‌کم خوانندگان جدی ادبیات نوجوان، بیش از متن‌های بسته، مشتاق متن‌های گشوده‌ای هستند که در آن‌ها تنها ابژه‌ی روایی به حساب نیایند، بلکه بخشی از فرایند ساختنش باشند و سرخوشانه در ابهام ساختاری و بازی گوشانه‌اش غوطه بخورند.

^۱ عضو هیئت علمی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

ایمیل: Farzaneh.aghapour@guilan.ac.ir

کلیدواژه: خواننده‌ی نمونه، رمان نوجوان، متن باز، مهدی رجبی، نشانه‌شناسی.

۱. مقدمه

نویسنده، متن و خواننده سه گانه‌ای هستند که نسبت میان آن‌ها در طول تاریخ نقد ادبی همواره اهمیت داشته است. متن به خودی خود چیزی بیش از مجموعه‌ای از علامت‌ها برای خواننده نیست و او را به ساخت معنای قطعه‌ی زبانی فرا می‌خواند. در نظریه‌ی دریافت، «معنای اثر ادبی را که صرفاً نشانه‌هایی سیاه و سازمان‌یافته روی صفحه است خواننده تعیین می‌کند. بدون این مشارکت فعال و مداوم از سوی خواننده، هیچ اثر ادبی وجود نخواهد داشت. هر اثری از شکاف‌هایی تشکیل شده است و سرشار از عناصر نامتعیینی است که تأثیرش به تفسیر خواننده بستگی دارد و می‌تواند به روش‌های مختلف و شاید متضاد تفسیر شود» (Eagleton, 1996: 66).

رمان نوجوان براساس تنوع تعریف‌های نوجوانی و تحول مفهوم نوجوانی، تعریف‌های گوناگونی داشته است که همه‌ی آنان در نسبت رمان با مخاطب نوجوان تعریف می‌شوند. نوجوان هویت خود را در نوسان میان دوگانه‌های گوناگون تعریف می‌کند و با گشودگی و در مرزبودگی معناهای از پیش موجود را به چالش می‌کشد. رمان نوجوان نیز به تبع، عرصه‌ی کشاکش و بازتعریف معناهاست و لازم است بیش از پیش با الهام از مخاطبانش در فرم و محتوا، مناسبت‌های سیال و درهم‌تنیده میان دال و مدلول‌ها را بازتاب دهد و با مشارکت دادن گسترده‌ی مخاطبانش در فرایند خوانش و تأویل، به سمت چندمعنایی و پذیرفتن معناهای متکثر حرکت کند. بنابراین، نظریه‌های مخاطب‌محور در فهم ارتباط خواننده‌ی نوجوان و متن‌هایی که برای او نوشته شده‌اند می‌توانند راه‌گشا باشند.

یکی از مسئله‌های بحث‌برانگیز در خوانش و فهم معنای متن همواره این بوده است که آیا خود متن، عمل تفسیر خواننده را برمی‌انگیزد یا راهبردهای تفسیری خود خواننده، راه‌حلی را بر مسئله‌هایی که متن مطرح می‌کند، تحمیل می‌کند. پیش از رشد اخیر نظریه‌های مخاطب‌محور، امبرتو اکو، نشانه‌شناس شهیر، در کتاب *نقش خواننده* (۱۹۷۹) از متن‌های باز و بسته سخن گفت و متن‌های باز را متن‌هایی دانست که همراهی خواننده را در تولید معنا طلب می‌کنند، اما متن‌های بسته مانند

داستان‌های کمیک و پلیسی، واکنش خواننده را از پیش مشخص می‌کنند. به باور او، رمزهای در دسترس خواننده، معنای متن را وقت خواندن تعیین می‌کنند (Selden, Widdowson and Brooker, 2005: 47-48).

نوجوانان نیازمند «متن‌های باز» به تعبیر امبرتو اکو هستند؛ متن‌هایی که در بازی نمادها و نشانه‌ها، سیالیت معنا را آشکار کند و همگام با رشد شناختی نوجوان، او را در رمزگشایی از ابهام متن و درک آن توانا تر سازد. متن‌ها در خواندن ساخته می‌شوند و به رسمیت شناختن خوانندگان کنشگر و نقش‌آفرین در فرایند خوانش و آفرینش در ساحت ادبیات نوجوان، نوید حرکت به سمت افق‌های تازه است.

رمان *خوهران تاریک* (۱۳۹۴) اثر مهدی رجبی یک تریلر روان‌شناختی است که با ایجاد شبکه‌ای پیچیده از نمادها و نشانه‌ها نیازمند خوانشی فعالانه است و جهان ذهنی نوجوان دچار حالت‌های روانی را به واسطه‌ی این نمادها و رابطه‌های درون/بینا/فرامتنی بازتاب می‌دهد. این رمان در مقایسه با رمان‌های نوجوان ایرانی از نظر فرم و درون‌مایه گامی نو به حساب می‌آید و تأویل و تفسیر جهان متنی‌اش می‌تواند برجستگی‌های آن را آشکارتر کند. در تأویل متن یادشده از نظریه‌ی دریافت امبرتو اکو، مفهوم «متن باز» (open text) و «خواننده‌ی نمونه» (Model reader) بهره گرفته‌ام. اکو با تعریف نظریه‌ی نشانه‌ها به عنوان حرکت خواننده به سمت تعداد نامحدودی از امکان‌ها برای تفسیر یک متن، استدلال می‌کند که نشانه‌شناسی از فهرست کردن صرف الگوهای پیچیده برای درک نشانه‌ها و متن‌ها (نقد رایج نظریه‌های نشانه‌شناسی) فراتر رفته و به اهمیت خواننده در درک نشانه‌های موجود در متن پرداخته است (Sallis, 1989: 3).

۲. پیشینه‌ی پژوهش و مبانی نظری

۲. ۱. پیشینه‌ی پژوهش

خوهران تاریک تلفیقی از بینامتن‌های فلسفی، روان‌شناختی، اساطیری و فرهنگ عامه است و این مناسبت‌های پیچیده پی‌بردن به شبکه‌ی نمادها را دشوار می‌سازند و در عین حال خوانشی تکثرگرا می‌طلبند. پیش از این پژوهش، تنها ژیان جهانی و همکاران (۲۰۱۸) به *خوهران تاریک* از منظر